

اهمیت دست دوزی و بافتنی در تعلیم و تربیت

اصل این مقاله بزبان انگلیسی و بنا بخواهش ما از طرف بانوی دانشمند ایرانی پروین لهراسب که تحصیلات عالی خود را در هندوستان در رشته خیاطی و کارهای دستی به پایان رسانیده اند نوشته شده ولی چون موفق نشدیم اصل انگلیسی آن را نقل نماییم بدرج ترجمه آن اکتفا میشود.

ای زن!

اگر میخواهی زیبا باشی با شخصیت باش
زیبا بودن آسانست،
اگر فکر عالی و روح بررک داشته باشی بدون
شك انعکاس آن در صورت تو، چشمانت را جذاب
و متفقد، سخنانت را گرم و دلنشین و چهرهات را باش
و نمکین خواهد کرد.

اصلا مگر هدف تواز اول خلقت، تربیت بشر
نبوده؟ پس اگر زیباییت صرف اصلاح و تربیت اجتماعت
نشود جز ضرر چه خاصیتی خواهی داشت؟

مگر از قدیم همان مادر مهربانی نبوده ای که
فرزندان دلپندت در زیر سایه عقل و نهم تو رشد
کرده عزت نفس و فداکاری آموختند؟

مگر تو همان دختری نبوده ای که نوازشهای
محبت آمیزت آن جوان از همه جا نومید و سر بهووارا
مرد زندگی کرده اورا آداب زیستن و طریق کار کردن
آموخت؟

پس چه شده که حالا چنین بی بند و بار شانه
از زیر همه گونه مسئولیتها خالی کرده مخفیانه دست
در دست شیطان داده تیشه بریشه خود و مملکت میزنی؟

ای زن! اجتماع ناقص امروزی محتاج کمکهای نواست،
راهبر که مترقیان جهان در پیش گرفته اند تو هم
قدم نه، سستی و بیکاری تفریحات زبان آور و سبکسری
را کنار بگذار، فکرت را متوجه تربیت هنر و عادت

کن، باشد روزی ایران عزیز همان مهد داریوش و
انوشیروان را که حتما هر وقت اسمشان را میبریم،
اگر راست باشد که مردگان واقف دو جهانند. با

چنین وضعیتی که اکنون داریم بدون شك روحشان
بعذاب میافتد. باز هم اگر علمدار علم و فرهنگ
نیسگردیم اینطور هم نباشیم که خودمان از خود بیزار

گردیم.

پ. ن

نخست از داشتن چنین دوره ای که میتوانیم
آزادانه افکار خود را بیان کنیم پروردگار را
سپاسگذاریم و خوشبختی و موفقیت مسئولین این نامه
را در راهی که پیش گرفته اند آرزو میکنیم.

گفتن خطا بخصوص اگر از دیگران باشد خیلی
آسان است ولی البته باید طریق صحیح و راه اصلاحی
آن را نیز نشان داد از این گذشته باید قبل از آنکه
دیگران اشتباهات ما را با گوشزد نمایند خود
بخطاها بیان بی برده آنها را اصلاح کنیم.

اطفال امروز، زنان و مردان فردا یعنی مایه
تمام امیال و افتخارات ما هستند بنا بر این هر اندازه
بآنها عطف توجه کنیم باز هم کم است.

مهمترین توجه باید در پرورش و آموزش آنها
صورت گیرد. استعداد ذاتی اطفال باید هم در خانه
و هم در مدرسه پرورش یابد ولی نباید طوری باشد
که باصطلاح «ملاکتایی» بار بیابند.

هدف اصلی تعالیم و تربیت باید پرورش حالات
و کیفیات اخلاقی باشد که در نهاد اطفال نامرئی
است این حالات و کیفیات باید طوری پرورش یابد که

کودکان را مردان و زنانی صاحب شخصیت بار و پیاوردتا
قادر باشند مصائب زندگی اجتماعی را با تحمل و خون سردی
بر دوش کشند، تعلیم و تربیت صحیح نیز هر موقع

با این فکر بکار میافتد، ریاضیات و مثلثات بنظر
بعضی از والدین دختران ممکن است بیفایده باشد لیکن
غافل از اینکه این قسمت نهایت لزوم را در بسط و نمو
فکری آنها داراست.

یکی از موضوع لازم دست دوزی و بافتندگی است
دوختن هم برای زن و هم برای مرد صنعت مفیدی است
دست دوزی با شتاب شغل و حرفه ای تصور میشود

و این موضوع برای ما قابل توجه است، دست دوزی
و بافتندگی را نیز باید جزء صنایع ظریفه شمرد و
آن را وسیله ای برای پیشرفت تعلیم و تربیت

دانست و مطمئن بود که «قوه تخیل» اتکاء بنفس، اراده
و از این قبیل حالات فکری و اخلاقی را باین وسیله بهتر

«تخیل» اولین اصل مهم است که بوسیله «مشاهده» تقویت میشود. البته توجه کودک بموضوعاتی جلب میشود که مورد علاقه اوست، نقشه آموزنده و طرز ترتیب کار باید طوری باشد که جلب علاقه شاگردان را بنماید.

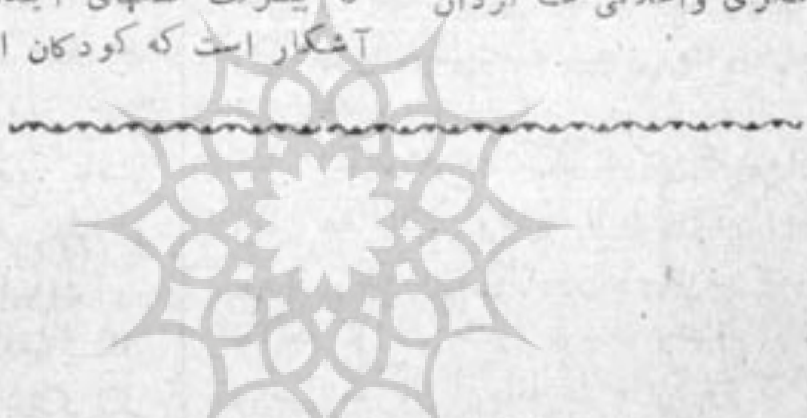
کودک باید بتواند نظیر آنچه را که من باب نمونه در دسترسش گذاشته شده بوجود آورد نه اینکه تقلید کور کورانه بنماید، اما چگونه و بچه نحوه این کار مادران و کار آموزان دلسوزی است که بتعلیم و تربیت صحیح کودکان خود علاقه مند میباشند.

آموزش و پرورش نادرست بر تکاهای ژرفی است که در مقابل راه نونهالان قرار گرفته است حتی در برنامه های کار دستی که برای شاگردان دوره های بالاتر تنظیم شده است این منظور رعایت نمیشود، بعضی از برنامه ها با بهداشت و سلامتی اطفال که در حال رشد میباشند توافق ندارد و چنین بنظر میرسد که مسئولین امر درباره هدف اصلی آموزش و پرورش که پیشرفت نسلهای آینده است فکری نمیکند، آشکار است که کودکان از هفت تا بازده سال که

میتوان پرورش داد، از ابتدای این آموزش آموزنده باید بسیار دقیق باشد زیرا در نتیجه تدریس غلط بسیاری از دختران نه فقط از خیاطی کردن بیزار میشوند بلکه حس تنفری از زیاد آوردن دوخت و دوزهایی که در مدرسه میگردند در آنها تولید میشود زیرا زمانی را زیاد میآورند که مجبور بودند ساعتی متادای با روزهای بی دربی بس دوزی یا زور یا ساقه دوزی کنند بدون آنکه اجازه داشته باشند آزادانه بقسمت هائی که مایلند بپردازند.

در طرق مختلف تربیتی باید همیشه در نظر داشت که نخست «طرز تعلیم» و دوم «موضوع کار» اهمیت بسزائی دارد.

در خیاطی یا نقاشی، موضوعات کلاسیک یا علمی باید چون ابزار و آلاتی در دست آموزنده باشند که فقط برای تکمیل مراحل مختلف اخلاقی بکار روند، آموزنده باید بیش از تدریس نقشه و طرز دادن دستورات را ترتیب دهد تا بتواند بتوسعه و پرورش فکری و اخلاقی شاگردان امیدوار باشد.



اسامی اشخاص در زمان باستان

این اسامی در ایران باستان بسیار متداول بوده است

- ۱- استاتیره (Stateira) نام چندین شاهزاده و بانوی ایران باستان
- ۲- فدیمه (Fadima) یعنی کلمه فیلاوترا زن کبوجیه و داربوش اول و گومات، و دختر آتانس
- ۳- فریه پتیر (Fryapatir) یعنی دوست دارنده بدر.
- ۴- ستاسپه (Sataspa) یعنی دارنده صد اسب، خواهر زاده داربوش اول.
- ۵- گداته (Godata) یکی از سرداران کورش کبیر
- ۶- اسپیتما (Spitma) پاکترین، لقب زرتشت
- ۷- سریرا (Srira) یعنی زیبا
- ۸- سپته (Speta) یعنی سفید
- ۹- گیوپوتران (Gev-putran) کودرز



وجود زنان هنرمند و باذوق در تاریخ ایران گذشته از موقعی که دیکتاتورهای شدیدی حقوق زنان را بایمال میساخت مظهر نبوغ زنان آریائی بشمار میرود .
ناگفته نماند که زنان ایران با وجود عدم آزادی و شرایط نامناسب محیط، هنرهای گوناگونی بوجود آوردند .

در زمان هخامنشیان با وجود دلایل تاریخی معلوم می شود که زنان ایران مهمترین رشته صنعت ایران را که عبارت از قالی بافی است شروع کرده بوده اند .

«تبیستو کلیس» در حضور خشایار شاه گفت «سخن آدمی درست فرشهای زیبای ایرانی را می ماند که چون آنرا باز کنی و بکسترانی بیکره های زیبای همگی نمایان است . ولی چون تا کنی و به بیچانی همه بیکرها تا پدید گردیده پدیدار نمی باشند .»

«پلوتارخ» میگوید زنان گذشته از صنعت قالی بافی (که در زمان هخامنشیان و شاید تا بعد از آن مخصوص طبقات زنان عادی بود) در رشته های دیگر چون موسیقی نیز پیشرفت محسوسی کرده بودند چنانچه نواختن طنبور ، چنگ و شیبور و خواندن آوازهای دلکش و رقص موزون از جمله هنرهای بود که در مواقع شادی و تفریح بوسیله زنان بمنصه ظهور میرسید .

باستناد نقش شکار کردن خسرو دوم در طاقستان، درست بالا پادشاه سواره ایستاده و اسبش مهبای جهیدن است زنی در بالای سراو چتری افراشته است که علامت شوکت و عظمت سلطنتی است و در پشت سر او صفی از زنان هستند که بعضی در حال احترام ایستاده و برخی مشغول رامشگری هستند دوتن از آنان شیبور در دست دارند . یکی طنبور می نوازد، بر روی چوب بستی که پلکانی بر آن قرار داده اند زنانی نشسته اند که بعضی چنگ می نوازند و برخی کف می زنند
از کتاب ایران در زمان ساسانیان

عضلات اندامهایشان در حال نمو و رشد است و هنوز بر اعصاب خود کاملاً مسلط نیستند سوزن دوزی کار چندان خوش آیندی نیست نور چشم اطفال از هر حیث کامل است ولی تا دوازده سالگی هنوز برای خیره شدن طولانی باشیاء شایستگی ندارد از اینجهت ضرر غیر جبران بینائی وارد آمده و در نتیجه باعث اختلالات عصبی میگردد . بافتنی و ابریشم دوزی برای اشخاص بزرگتر برای رفع بیکاری بوده و کسالت آور نیست و ممکن است در حالیکه بیکار خود مشغولند راجع بمسائل دیگر فکر کرده با اطرافیان خود صحبت دارند و فکرشان نیز خسته نشود ولی نباید دانست که این قسم کارها اعصاب اطفال کوچک را خسته میکند

همین سوزن دوزی بخصوص اگر طولانی باشد به اعصاب کودک فشار وارد آورده او را از این نوع کار دستی منزجر و متنفر میسازد، پدران و مادران و کار آموزان باید در انتخاب کارهای دوختنی برای چنین دستها و چشمها و

افکار کوچک دقت کنند، بجای بیکار بردن تکه های بزرگ پارچه یا بخیه های زیاد یا وصله کردن و رفو کردن لباسهای کهنه که طفل ناشایستگی آن را درک میکند، اگر تکه های کوچک جالب مانند پارچه و لباسهای عروسک و اسباب بازی یا چیزهای متعلق بخودش را بطور دوختن یا بافتن باو بدهند ، ملاحظه خواهد شد که کارها بهتر و سریعتر به نتیجه میرسد . از طرفی علاقه ایکه بتمام شدن کارشان و دیدن پایان آن دارند یا قدردانی و تحسین که از کارهای یکدیگر میکنند آنها را خود بخود وادار میکنند که با خوشحالی کارشان را انجام دهند خصوصاً اگر معلم نیز با بصیرت کامل آنان را با کمال مهربانی کمک کند .

هومیاستره

هومیاستره (Humyâstra) بمعنی همدست و هم پیمان، شاهزاده خانم ایرانی (برادر زاده دارای سوم) که بفرمان اسکندر بعقد (کراتروس) درآمد ولی این سردار بسی غیرت یونانی پس از مرگ اسکندر او را طلاق داد حاکم هراکلیه و برا گرفت این شاهزاده خانم گنجینه هنگفتی داشت آنرا بشوهر دوم خود تقدیم کرد و بر امارت کوچک هراکلیه حکمروا گشت تدریجا بسبب استعداد و قابلیت او هراکلیه وسعت یافت از شوهر دومی دو پسر و یک دختر پیدا کرد که در کودکی پدر خود را از دست دادند.

هومیاستره این شاهزاده خانم باتدبیر فرزندان و امارت هراکلیه را بخوبی اداره میکرد

پس از چندی شوهر سومی اختیار نمود این مرد (لیزی ما کوس) سردار مقدونی بود که بالاخره خبت طینت خود را ظاهر ساخت و بنا بمصلحتی این شهزاده ایرانی را طلاق داد و با پتالمی مصر ازدواج کرد. هومیاستره خم بابر و نیارود و چون پسرانش بجد رشد رسیده بودند حکومت هراکلیه را بآنها سپرد و خود دردژی بسافت هفت فرسخ از هراکلیه که بنام خود ساخته بود منزوی گشت فرزندان نااهل پس از آنکه بسطنت رسیدند بنای ظلم و اذیت بر عیالی خود گذاشتند و حتی مادر خود را گرفتار کرده کشتند ولی شوهر سومی هومیاستره یعنی (لیزی ما کوس) بانقمام خون زن خود که شاید هنوز او را دوست میداشت این دو فرزند ناخلف را گرفتار و بقتل رسانید.

در انتخاب رنگها باید کودک را آزاد گذاشت وقتی انتخاب لوازم کار بمسئولیت خود طفل باشد قوه مدر که برای تحسین و حسن ابتکار و سلیقه و دیگر حواس کودک بهتر توسعه مییابد و بکارهای خود علاقه مند میگردد بیعلاقگی و شیطنت بیورد اغلب کودکان در نتیجه محدودیت ایجاد میشود زیرا نمیتوانند آنطور که شایسته است نیروهای درونی خود را بروز دهند،

«قاشی؛ خیاطی و طراحی» استعداد درونی کودک را بهتر تحریک نموده توسعه میدهد. برنامه ها باید متناسب با قوه مدر که کودکان بوده و موافق آن تهیه شوند

در هر شماره بیعت / مقداری از این موضوعات پرداخته و در باره آنها چیزهایی خواهم نوشت و هرگونه سئوالاتی در این باره بشود با کمال میل پاسخ خواهم داد.

پروین

پروین شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سگهای جنگی

بطوریکه در تاریخ مذکور است در جنگی که بین پادشاه لیدیه کیمریها رخ داد سگهای جنگی از طرف لیدیهها بکار برده شدند که به اسبها و سواران حمله میکردند

از دشنام گدایان و سیلی زنان و چربک کنکان و زبان شاعران و مسخرگان مرنجید

عید زاکانی